



◆ این در «حاشیه امن» نگاه داشتن اسلام، دور نگه داشتن اسلام از منشئیت اثر یا «اقرار به عدم کفایت دین در اداره امور» نیست؟
اصلاً من اعتقاد به این ندارم چون بسیاری درگیر این مساله بودند. کتاب‌هایی همانند مقیم و مسافر و کتاب آقای نائینی امروز هم حرف برای گفتن دارد. در فضای فکری امروز هم می‌توان از آن استفاده کرد (می‌توانیم با مضامین آنها) به جریان‌های سیاسی امروز نگاه کنیم.

◆ آیا می‌توان گفت که اسلام در حاشیه امن بماند و افرادی که مصدر امرند، کار خود را فارغ از اسلام بکنند، تا مبادا گردی به دامن اسلام بنشیند؟ این‌طور از قضیه برمی‌آید که آنها [علمای مشروطه‌خواه] قسمت‌هایی که به آنها مربوط نیست را به گردن نمی‌گرفتند. عالم مشروطه‌خواه سوال می‌کند: «قسمت‌هایی که مربوط به اسلام نیست - همانند گرفتن مالیات- را چطور اسلامی می‌کنید؟» [مشروطه‌خواه پاسخ] می‌گوید که: «ما اسلامی نمی‌کنیم. اسلامی هم نمی‌دانیم. همان میزان که می‌توانیم، اسلامی می‌کنیم.»
این دو دیدگاه است و قرار نیست به این دو نمره دهیم [یکی را] دستورالعمل قرار دهیم. به اینها نگاه می‌کنیم و وضع امروز خود را [می‌سنجیم]. در نسبت با تاریخ سعی می‌کنیم پرسش‌های امروز را عمیق‌تر کنیم و وضع موجود را بهتر ببینیم.

◆ آیا درست است که مشروطه‌خواهان آزادخواه را لیبرال و مشروطه‌خواهان را هواداران استبداد قلمداد کنیم؟
با توجه به اینکه در ایران، بعد از شعارهایی که برای آزادی داده شد، این تلقی پیش‌آمد که در مشروطه هم دعوا بر سر «موافقت و مخالفت با لیبرالیسم» یا «موافقت و مخالفت با استبداد» بوده است.

◆ این تقسیم‌بندی مشروطه‌خواهان بر مبنای استبداد- آزادی (به معنای لیبرالیسم) به مشروطه مربوط است یا خیر؟ و اگر نه چطور در مشروطه پژوهی وارد شده؟
بحث وارد شدن و این مسائل نیست. وقتی نگاه می‌کنید، ممکن است یکی زودتر و یکی دیرتر گفته

سال ۷۹ در قم ایرادهایی که مرحوم حاج آقا نور... در مقیم و مسافر به علمای مشروطه‌خواه گرفته است را در جلسهای با حضور آقای مصباح بیان کردم. بعد از ارائه آن نکات، ایشان هم گفتند من ۲۰ نکته یادداشت کرده‌ام و می‌خواهم جواب بدهم. آمدند و جواب دادند. همانند این شد که من مشروطه‌خواه شدم و ایشان مشروطه‌خواه شد و جواب داد

◆ حضرت‌تعالی کتابی هم در باب رسالات دوره مشروطه تدوین کرده‌اید اما در آن کتاب، دسته‌بندی‌ای از رسالات منتشر آن دوره شده، ارائه نفرموده‌اید. آیا رساله‌های دوره مشروطه را می‌توان دسته‌بندی خاصی کرد؟
چیزی که من رساله‌ها را براساس بیان کردم و مشاهده کرده‌ام، همین استبداد و مشروطه و... است. البته استبداد نمی‌توان گفت، کسی طرفدار استبداد نبوده؛ بلکه باید این‌طور گفته شود که یک عده طالب تغییر نیستند و این تغییرات [در نظر آنها] منفی بوده است.

◆ یعنی هیچ‌کدام هوادار استبداد نبودند؟
خیر، استبداد به این معنی که ما می‌شناسیم [طرفداری در آن دوره برایش متصور نیست. کسی طرفدار اینکه به مردم ظلم شود نبوده است. می‌گفتند این تغییر [یعنی مشروطه شدن] درست نبوده است. اشکال زیاد داشته است. رساله‌ای به نام «نوش دارو یا دواي درد ایرانیان» [نوشته شده] که [در آن] پیر و جوان با هم مناظره می‌کنند. پیر نماینده سنت و جوان نماینده تجدد است. این دفعه [یعنی در این رساله، برخلاف مقیم و مسافر که مشروطه‌خواه غلبه می‌کرد،] پیر [که نماینده سنت است] بر جوان [یا نماینده تجدد] غلبه می‌کند. وقتی پیر قدری [از مشروطه] انتقاد می‌کند، جوان به او می‌گوید: «حرف‌های استبدادی می‌زنید». پیر هم می‌گوید [که] من بنگ زده‌ام و مسخره می‌کنم. از این سو، این هم وجود دارد.
اصلاً یک‌سری رساله به نام شیخ و شوخ داریم، شیخ سنت و شوخ تجدد است. این [رساله‌ها] هم، چنین است. این، وضع وجود دارد. [به نظر من یک] تقسیم‌بندی ما [تقسیم به دو] طیف ترجمه و تالیف است. یعنی از ترجمه مطلق تا تالیف مطلق [در آثار این دوره] داریم و البته بین اینها [یعنی آثاری که ترکیبی از ترجمه و تالیف باشند] هم وجود دارد؛ [اینجا هم باز درجاتی هست]؛ رساله‌هایی که کمتر ترجمه است و بیشتر تالیف است؛ تا رساله‌هایی که بیشتر ترجمه است و کمتر تالیفی است.

باشد. مثلاً جمهوری اسلامی و مردم را چه کسی مطرح کرده است؟ لازم نبود کسی مطرح کند، مردم خود جلو آمدند.
اینکه چرا این‌طور شده و چرا آن‌طور نشده حرف دیگری است. زمان‌سنج نگذاشتیم که چه کسی اول گفته و چه کسی آخر گفته است. خیلی هم مهم نیست. به متون، به روزنامه‌ها و متون سیاسی، به نمایشنامه‌هایی که نوشته شده، به گفت‌وگوهایی که شده نگاه کنید، [این مباحث] وجود دارد. هم در مشروطه و هم در مشروطه مابازاء دارد. این چیزی نیست که بگوییم درآورده‌اند.

◆ تفسیر این آزادخواهان مقدس از مساله آزادی چطور است و مرزبندی‌های آنها با روشنفکری و لیبرالیسم چگونه است؟
این مطلب بحث‌های فلسفه سیاسی تخصصی و سنگینی را می‌طلبد. باید به متون نائینی و مقیم و مسافر و رساله‌های دیگر مراجعه کنید.

◆ حاج آقا نور... در طرح جلد مقیم و مسافر، هم حریت و هم آزادی را درج کرده است. فرق حریت و آزادی در نظر ایشان، چه بوده است؟
آزادی، عدالت و مساواتی که [روی جلد مقیم و مسافر چاپ شده و در کتاب] بیان می‌کنند، شعار انقلاب فرانسه است. اما یک حریت هم اضافه کرده است. حریتی که اضافه شد پداس است امر جدیدی است. باید مشروطه را در فضای بیداری اسلامی نگاه کنید. این مشروطه را کلی نگاه کنید. مثلاً [اینکه] بحث‌های آیت... خامنه‌ای درباره مردم، چه تفاوتی با روشنفکران دارد، باید در مجموعه فکری ایشان بگردید و انقلاب اسلامی و امام را با هم نگاه کنید. آن هم همین‌طور است. باید به حکومتی که ایشان در اصفهان داشته یا برداشتی که از مشروطه در انجمن اصفهان داشته و نیز به سایر موارد نگاه کنید تا این تفاوت برای شما مشخص شود. در مورد نائینی هم این‌طور است و این بحث به نظر من بسیار سنگین است و نیاز هم نیست که بیان شود.